

رد اوهام و سحر و جادو بر اساس قرآن و سنت

نویسنده: صادق رجبیان تمک

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

فهرست

فهرست	۱
مقدمه	۳
پیروی از قرآن و سنت	۵
پیروی و عدم پیروی	۵
وجوب اطاعت از پیامبر ﷺ	۶
عالم غیب کیست؟	۱۲
برادر و خواهر مسلمان	۱۲
سحر چیست و ساحر کیست؟	۱۵
علاج سحر با سحر	۱۹
حکم علاج سحر	۱۹
برادر و خواهر مسلمان	۲۰
تمائم	۲۱

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلوة والسلام على رسوله محمد وآله وأصحابه أجمعين. عقیده به توحید، اساس اسلام و مهم‌ترین اصل از اوصول و قواعد دین می‌باشد، و بدون اصلاح عقیده هیچ عملی مورد قبول خداوند متعال قرار نمی‌گیرد، توحید زبده رسالت الهی بوده و اولین دعوت انبیاء الهی است، و مدار ایمان و کفر به آن تعلق می‌گیرد، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (سوره نحل، آیه ۳۶).

«ما به میان هر ملتی پیامبری را فرستادیم که تنها خدا را بپرستید و چنانکه از طاغوت دوری کنید».

و باز در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (سوره ذاریات، آیه ۵۶).

«ما جن و انسان را جز برای پرستش «خود» نیافریده ایم».

متأسفانه امروزه در عقیده عده‌ای از مسلمانان جهان انحرافات بیشماری از اهل باطل وارد شده است. نوشته‌ای که پیش روی دارید به صورت ساده و مختصر نگاشته شده، و اهتمام بر این گردیده تا نهایت دقت را از دو منبع قرآن کریم و احادیث نبوی استخراج و هرکدام از آن را در جایگاه خویش قرار داده و از آن دو خارج نگردیم. و با توجه به عقاید و افکار درهم آمیخته عده‌ای از مسلمانان نسبت به موضوع مقاله عناوینی در رد اوهام و خرافه‌پرستی تدوین شده است، و از خداوند قدوس استدعا می‌کنم که آن را به فضل و کرم خود مورد قبول قرار دهد، و بنده و برادران و خواهران خواننده محترم را بر عمل کردن به قرآن و سنت توفیق عنایت فرماید.

صادق رجیبیان تمک

کالاه - توتلی تمک مؤرخه ۲۰ / ۶ / ۸۲

اسلام دین دانش و قرآن راهنمایی است که انسان‌ها را به دانش‌آموزی و گسترش آن فرا خوانده و می‌خواند، و در فرهنگ و تمدن اسلامی (برخلاف دیگر تمدن‌ها) پدیده‌هایی به عنوان جدال میان دین و دانش وجود ندارد. براساس آموزه‌های اسلام بود که مسلمانان در بسیاری از علوم مثل انسانی و تجربی پیشگام بوده، خدمات غیر قابل انکاری را به پیشرفت و تمدن ارائه کرده اند.

این مطلب مهم را لازم است که مدنظر داشت که انسانیت انسان و گام‌برداشتن در راهی که خداوند علیم و حکیم برای او ترسیم نموده، از طریق علم و آگاهی و معرفت ممکن خواهد شد و «ایمان» و عقیده تنها بر پایه علم و معرفت استوار می‌گردد، و ایمان به مجهول و اعتقاد به موهوم در واقع در تاریکی گام‌برداشتن است، و در فرهنگ دین اسلام معنی و محتوا و حاصلی ندارد»^(۱).

پیروی از قرآن و سنت

پیروی و عدم پیروی

مؤمن واقعی می‌داند که خداوند دین را به وسیله وحی برای حضرت محمد ﷺ نازل کرد و کامل نمود:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (سوره مائده، آیه: ۳).

«امروز دین شما را به حد کمال رساندم و نعمتم را بر شما تمام نمودم. و بهترین دین را که اسلام می‌باشد برای شما برگزیدم»^(۲).

(۱) - کتاب مهناج المسلم، ص ۱۷، شیخ ابوبکر جزایری با ترجمه عبدالعزیز سلیمی.

(۲) - براهینی بر یکتاپرستی، ص ۷۹، مؤلف عبدالمجید الزندانی - توحید لخالق با ترجمه کمال روحانی پیرانشهر.

وجوب اطاعت از پیامبر ﷺ

اطاعت از پیامبر ﷺ و انجام دادن آنچه به آن امر کرده و ترک آنچه از آن نهی کرده واجب است، این از لوازم شهادت به (أنه رسول الله) است. خداوند در آیات بسیاری اطاعت از او را مقرون به اطاعت از خود می‌داند.

همچنانکه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ (سوره نساء، آیه ۵۹).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا اطاعت کنید و از رسول اطاعت کنید».
و آیاتی دیگر که به این معنی دلالت می‌کنند و گاهی فقط به اطاعت رسول امر می‌کند و می‌فرماید:

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ (سوره نساء، آیه ۸۰).

«هرکسی از رسول اطاعت کند به حقیقت از خدا اطاعت کرده است».

﴿وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (سوره نور، آیه ۵۶).

«از پیامبران اطاعت کنید تا باشد که مورد رحمت قرار گیرید».
همچنان خداوند وعده عذاب را به کسی می‌دهد که از فرمان پیامبر سرپیچی می‌کند، چنانچه می‌فرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (سوره نور، آیه ۶۳).

«پس بپرهیزید کسانی که از امر او سرپیچی می‌کنند که فتنه‌ای دچار آنان شود یا عذابی دردناک بر آنان وارد شود».

یعنی فتنه‌هایی مانند کفر یا نفاق یا بدعت بر قلب آنان وارد شود یا عذاب دردناک در دنیا، مانند قتل یا اجرای حد یا حبس یا سایر عقوبات زودرس به آنها برسد. و نیز خداوند اطاعت و پیروی از پیامبر ﷺ را سبب رسیدن محبت خدا به بنده و بخشش گناهان او قرار داده است، چنانچه می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ (سوره آل عمران، آیه ۳۱).

«بگو: اگر خدا را دوست دارید از من تبعیت کنید، در این صورت خداوند نیز شما را دوست می‌دارد و گناهان شما را می‌بخشد».

و اطاعت از او را هدایت و سرپیچی از اطاعتش را گمراهی قرار داده است، چنانکه می‌فرماید:

﴿وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا﴾ (سوره نور، آیه ۵۴).

«و اگر از او (پیامبر) اطاعت کنید هدایت می‌یابید».

و می‌فرماید:

﴿فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (سوره قصص، آیه ۵۰).

«پس اگر دعوت تو را اجابت نکردند، پس بدان که آنان از هوی و هوس خودشان پیروی می‌کنند، و چه کسی گمراه‌تر از کسی است که از هوی و هوس خود تبعیت کند، بدون این که از طرف خدا هدایتی داشته باشد، به تحقیق خدا ظالمان را هدایت نمی‌کند»^(۱).

و باز خداوند متعال اطاعت از او را بر اهل ایمان واجب گردانیده است، چنانکه می‌فرماید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (سوره حشر، آیه ۷).

«هرآنچه را که پیامبر به شما داد، بگیرید و آنچه را که از آن نهی فرمود، خود را از آن باز دارید».

(۱) - کتاب التوحید، ص ۲۱۴ - ۲۱۱، مؤلف محمد صالح یونس، ترجمه از محمد انصاری.

و خود رسول الله ﷺ در امر اطاعت از دستورات و فرمایشات خود چنین بیان نموده و تأکید فراوان نموده است، و امر کرده که در ادای عبادات به او اقتدا شود و عبادت همانطور ادا شود که او ادا می‌کرد، چنانچه می‌فرماید:

«صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»^(۱).

«نماز بخوانید همانگونه که مرا دیدید نماز می‌گزارم».

و می‌فرماید:

«خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ»^(۲).

«مناسک حج را از من یاد بگیرید» و می‌فرماید:

«مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا، فَهُوَ رَدٌّ»^(۳).

«هرکس عملی را انجام دهد که دین ما آن را تأیید نمی‌کند آن عمل مردود است».

و باز خود رسول الله ﷺ در اطاعت از دستورات و فرمایشات خود چنین بیان نموده و تأکید فراوان کرده است:

«مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^(۴).

«کسی که در این امر ما (دین ما) چیزی را که جزء آن نیست وارد و اضافه نماید، آن

چیز مردود است و قابل قبول نیست».

چون حقیقت دین در دو چیز خلاصه می‌شود:

اول: نباید به جز خدا هیچ چیز دیگری مورد پرستش قرار گیرد.

دوم: این پرستش و عبادت باید طبق دستور و شرع خدا باشد. هرکس که شخصاً عبادتی را ابداع نماید (که شرع به آن دستور نداده است) کار او گمراهی است و عبادت به او برگردانده می‌شود، چون تنها شارع مقدس حق دارد عبادتی را که موجب نزدیکی و

(۱) - روایت بخاری.

(۲) - روایت مسلم.

(۳) - روایت بخاری، باب إذا اجتهد العامل أو الحاكم.

(۴) - متفق علیه.

تقرب به پیشگاه اوست مشخص موجب و معین نماید، ولی منشأ عادات و معاملات شارع مقدس نیست، بلکه این خود مردم هستند که عادات را به وجود آورده اند و یا معاملات را برقرار می نمایند، و شارع آمده تا آنها را تصحیح و تعدیل و پاکسازی نموده و یا بعضی از آنها را که فساد و زیانی نداشته اند، تأکید کرده است^(۱).

بنابراین، شریعت و قانون اسلام بر دو اصل و رکن که یکی قرآن و دیگری سنت پیامبر ﷺ می باشد استوار است. قرآن به صورت تواتر از جانب پیامبر ﷺ به مسلمانان رسیده است، و قرآنی که اکنون در دست مسلمانان است عین همان قرآنی است که به وسیله جبرئیل علیه السلام بر پیامبر ﷺ نازل شده است، بدون این که جمله ای اضافه یا کم شده باشد. خداوند متعال در مورد نگهداری آن چنین فرموده است:

﴿إِنَّا لَحُنَّ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (سوره حجر، آیه ۹).

«همانا ما قرآن را نازل کرده ایم و ما خود نگهبان آنیم»^(۲).

اما در مورد سنت پیامبر ﷺ باید گفت که: اصحاب کرام به پیروی از قرآن و دستور پیامبر ﷺ به اهمیت و نقش حدیث و سنت در پایه گذاری و تحکیم شریعت و دین اسلام به خوبی آگاه بودند، و به یقین می دانستند حدیث و سنت دومین رکن شریعت است. از این رو با کمال صبر و استقامت و شوق و جدیت و اخلاص با بهره گیری از ذکاوت و استعداد و حافظه فوق العاده ای که در فضای پاک و آرام عربستان پرورش یافته بود، اکثر اوقات خود را چه در سفر و چه در حضر در حضور پیامبر ص به یادگیری قرآن و حدیث به سر می بردند و تمام سخنان پیامبر ﷺ را می نوشتند.

خداوند متعال در مورد پیروی از سنت رسول خدا چنین بیان می فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ﴾

(سوره احزاب، آیه ۲۱).

(۱) - حلال و حرام در اسلام، ص ۳۲ دکتر یوسف قرضاوی با ترجمه ابوبکر حسن زاده.

(۲) - ترجمه آیه از خرمشاهی.

«همانا برای شما در شخص رسول الله اقتدا و الگوی نیکی است برای کسی که خدا و روز آخرت را امید می‌دارد».

باز در مورد پیروی از سنت و بازگشت به سنت پیامبر خود چنین می‌فرماید:

﴿فَإِنْ تَنَزَّعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾
(سوره نساء، آیه ۵۹).

«هرگاه در چیزی باهم اختلاف پیدا کردید آن را به خدا و رسول خدا برگردانید، یعنی برای حل آن به قرآن و سنت (حدیث) پیامبر ﷺ مراجعه کنید و قرآن و سنت را حکم قرار دهید. اگر به راستی به خدا و روز قیامت ایمان دارید».

چون خواست خدا بر این بود که دین اسلام به عنوان پاکترین و قدرتمندترین ادیان بر صفحه ایام ثابت و استوار بماند، و سنت پیامبر ﷺ که یکی از ارکان اصلی آن است، از تغییر و تحریف مصون باشد، چه در عصر پیامبر ﷺ و اصحاب و چه در عصر و تابع تابعین و... جماعت کثیری از علمای امت خود را مسئول حفظ و حراست از حدیث و سنت می‌دانستند و با کمال صداقت و تقوی و اخلاص به تحقیق و بررسی و جمع‌آوری سنت و حفظ آن در سینه و ثبت آن در صفحه کاغذ می‌پرداختند، این بزرگواران به خوبی آگاه بودند که نسبت دادن چیزی به دروغ به پیامبر ﷺ جرمی است نابخشودنی. پیامبر ﷺ در این مورد می‌فرماید:

﴿إِنَّ كَذِبًا عَلَىَّ لَيْسَ كَكَذِبٍ عَلَى أَحَدٍ، مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ﴾^(۱).

«همانا دروغ‌بستن بر من مانند دروغ‌بستن بر دیگران نیست، کسی که عمدا چیزی را به دروغ به من نسبت دهد، باید جای خود را در آتش دوزخ آماده نماید».

لذا با احتیاط و دقت فراوان این وظیفه را انجام می‌دادند تا این که در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری به دستور دانشمند بزرگوار پنجمین خلفای راشدین عمر بن عبدالعزیز رحمته الله جمع‌آوری و نوشتن حدیث و سنت رسماً شروع گردید^(۲).

(۱) - روایت بخاری.

(۲) - اللؤلؤ والمرجان، ج ۱، ص ۸ و ۹ مؤلف محمد فؤاد عبدالباقی، ترجمه ابوبکر حسن زاده.

پروردگار دانا و توانا به مقتضای حکمت و رحمت بیکرانش خواست بشریت را از تاریکی کفر و جهل و گمراهی‌های بخت و اقبال و او را از چنگال خرافات و اوهام و بندگی بت‌های سنگی و چوبی و اسارت در دام کاهنان و جادوگران و رمالان و ظالمان آزاد سازد. از این رو آخرین کتاب آسمانی خود قرآن را بر پاک‌ترین بندگان حضرت محمد ﷺ نازل نمود، تا بشریت را به صراط مستقیم هدایت کند، و کسانی که در پرتو نور فروزان آن حرکت می‌نمایند به خیر و سعادت جاودانی نایل شوند، شخصیت واقعی خود را باز یابند و به عنوان نمونه و الگو رهبری جامعه بشری را در دست گیرند:

﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (سوره مائده، آیه ۱۶).

«خداوند به وسیله این قرآن کسانی را به راه‌های امن و دور از فساد هدایت می‌دهد که برای نیل به رضای خدا کوشش می‌کنند و آنان را از تاریکی‌های کفر و نادانی بیرون می‌آورد و به سوی نور ایمان و علم می‌برد و به راه مستقیم هدایت‌شان می‌کند»^(۱).

اسلام آمد تا مردم را از نوع قید و بندهای اوهام و خرافات آزاد سازد، در همین راستا مردم را به سنت‌های خداوند متعال در آفرینش خود پیوند داد و از مردم خواست که اگر سعادت دنیا و رستگاری قیامت را می‌خواهند، ناگزیر باید نسبت به این سنن الهی پایبند بوده و آن را در حیات (زندگی) خود به کار بندند. به همین خاطر اسلام هجوم بسیار سخت و وسیعی را علیه خرافات و اوهامی که جاهلیت به انتشار آن پرداخته و یا رمالان، فالگیران، و طالع‌بینان که مغازه تجارت را در بازار گمراهی باز نموده و به استثمار کوتاه‌اندیشان و کم‌خردان عامی و شبه عامی که هیچ جامعه‌ای خالی از آنان نیست، پرداخته بودند، سخت به مخالفت و مقاومت در برابر آن ایستاده است که از جمله می‌توان به اموری نظیر «سحر، پیشگویی، فالگیری، رمالی، طالع‌بینی و ادعای غیب‌دانی به

(۱) - اللؤلؤ والمرجان، ج ۱، ص ۵ و ۶.

وسایل علوی^(۱) یا سلفی^(۲) را نام برد که به پندار این که کسانی یافت می‌شوند که از امور پوشیده پرده برمی‌دارند و از آنچه فردای مجهول و در سینه‌هایش دارد از طریق ستارگان و یا ارتباط با جنیان و یا خطوط رمل و غیره از سایر خرافات و اوهام جاهلیتی شرق و غرب حجاب‌ها را کشف می‌کنند.

برای تبیین و کشف گمراهی این دروغگویان و افترا زنان به بیان چند آیه از قرآن کریم و چند حدیث گوهر بار از رسول گرامی ﷺ اکتفا می‌نماییم^(۳).

عالم غیب کیست؟

﴿عَلِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ۖ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾ (سوره جن، آیات ۲۶-۲۷).

«عالم غیب، پس او کسی را به غیب خویش آگاه نمی‌سازد مگر پیامبری را که از او خشنود باشد».

پس اگر کسی ادعای دانستن غیب نمود، نسبت به خداوند و حقیقت دروغ گفته است و همچنین به مردم. خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ (سوره نمل، آیه ۶۵).
«بگو: کسی در آسمان‌ها و زمین غیب را نمی‌داند، مگر خداوند».

برادر و خواهر مسلمان

پس فرشتگان، جنیان و انسان‌ها هیچکدام غیب نمی‌دانند، مگر آنچه که خداوند به آنها یاد می‌دهد، خدای تعالی در باره جنیان حضرت «سلیمان» چنین می‌گوید:

﴿أَنْ لَّوْكَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ﴾ (سوره سبا، آیه ۱۴).

(۱) - علوی یعنی بالایی، از عالم بالا، هر چیز منسوب به بالا مخصوصا کواکب، فرهنگ عمید.

(۲) - پایین و پست نقیض علوی، فرهنگ عمید.

(۳) - دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۲، ص ۴۶۶، مؤلف دکتر یوسف قرضاوی با ترجمه استاد احمد نعمتی.

«اگر آنان (جنی‌ها) علم غیب داشتند در آن عذاب دردناک باقی نمی‌ماندند»^(۱).
 حال کسی پیش غیب‌گوی یا همکان کاهن^(۲) یا فال‌بین برود که بخت کسی را باز کند چون هردو ادعای غیب و دانستن چیزهایی ناپیدا را می‌کنند، مانند خبر دادن از آنچه که در زمین اتفاق می‌افتد و آنچه که روی می‌دهد، و این که محل چیزهای گمشده را می‌داند که اینها از طریق به خدمت درآوردن شیاطین حاصل می‌شود که از آسمان استراق سمع می‌کنند. خداوند می‌فرماید:

﴿هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ﴿٢٢١﴾ يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ﴾
 (سوره شعرا، آیات ۲۲۱ تا ۲۲۳).

«آیا به شما خبر بدهم که شیاطین برچه کسانی فرو می‌آیند، بر هر دروغگوی گناهکاری فرود می‌آیند، استراق سمع می‌کنند در حالی که اکثرشان دروغگویند».
 شیطان با گوش دادن به سخنان فرشتگان استراق سمع می‌کند، و آنچه که شنیده است در گوش کاهن القاء می‌کند و کاهن به همراه این خبر صحیح صد دروغ می‌آورد، و مردم به سبب این خبر صحیحی که از آسمان گرفته او را تصدیق می‌کنند، و به اخبار کذب وی توجهی نمی‌کنند^(۳).

در حالی که فقط خداوند است که علم غیب می‌داند. چنانچه خداوند می‌فرماید:
 ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾
 (سوره حشر، آیه ۲۲). «اوست آن خدایی که معبود [راستینی] جز او نیست. داننده نهان و آشکار. اوست بخشاینده مهربان».

(۱) - تربية الأولاد في الاسلام، ج ۲، ص ۳۹۸، مؤلف عبدالله ناصح علوان با ترجمة عبدالله احمدي.

(۲) - کاهن یعنی غیب‌گو، مرد روحانی در نزد مصریان و یهود و نصاری، فرهنگ عمید.

(۳) - کتاب التوحید، ص ۸۳.

«بدون در نظر گرفتن آیات اشاره شده، پس هرکس به وسیله کهنات (کاهنی) یا به هر طریقی در موارد بالا مشارکت کند یا تصدیق کسی را کند که این ادعاها را دارد و آنهم در اموری که علم آن خاص به خدا است، برای او شریک قرار داده است»^(۱).

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله».

«هرکس که پیش کاهنی برود و آنچه را کاهن می‌گوید تصدیق کند، همانا بر آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده کافر گردیده است»^(۲).

پس تصدیق کاهن کفر است.

اسلام تنها به حمله بر کاهنان و مبارزه با این دجال‌ها قناعت نکرده، بلکه کسانی را که نزد آنان می‌روند، از آنها چیزهایی می‌پرسند، جواب‌های آنان را تأیید می‌نمایند و موجبات تشویق و ترویج و فساد و گمراهی آنان را فراهم می‌سازند، شریک جرم این دروغگویان قرار داده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد می‌فرماید:

«مَنْ أَتَى عَرَافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ فَصَدَّقَهُ، لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا» (روایت مسلم).

«کسی که نزد فالگیری برود (کاهن - رمال)^(۳) و چیزی از او بپرسد و جواب او را تصدیق و باور نماید، چهل روز نمازش قبول نمی‌شود»^(۴).

و باز می‌فرماید:

«مَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَسَلَّمَ»^(۵). معنی

حدیث قبلا گذشت.

(۱) - حدیث از بزار و طبری و أبوداود.

(۲) - کتاب التوحید، ص ۸۴ و ۸۵.

(۳) - رمال: جمع رمل نام علمی که به عقیده برخی از مردم به وسیله آن می‌توان پیشگویی و طالع کسی را به دست آورد، و نام آلتی که با آن فال می‌گیرند و پیشگویی می‌کنند - فرهنگ عمید.

(۴) - حلال و حرام در اسلام، ص ۲۹۷.

(۵) - حلال و حرام در اسلام، ص ۲۹۶.

چون آنچه بر حضرت محمد ﷺ نازل شده اعلام می‌دارد که غیب خاص خداست و حضرت محمد ﷺ عالم به غیب نیست، پس افراد غیر محمد ﷺ به طریق اولی به غیب آگاهی ندارند، و خداوند متعال می‌فرماید: ^(۱)

﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِن أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ (سوره انعام، آیه ۵۰).

«ای محمد! بگو: من به شما نمی‌گویم که گنج‌های خدا پیش من است و غیب را نمی‌دانم، و نمی‌گویم که فرشته‌ام و پیروی نمی‌کنم جز از وحی که بر من نازل می‌شود».

سحر چیست و ساحر کیست؟

سحر عبارت است از آنچه که مخفی بود، و سبب آن نامعلوم است، و برای آن سحر نامیده شده که به واسطهٔ اموری پنهانی حاصل می‌شود که چشم آن را درک نمی‌کند ^(۲). اسلام با سحر و ساحران به مبارزه برخاسته و قرآن در بارهٔ کسانی که سحر می‌آموزند می‌فرماید:

﴿وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ﴾ (سوره بقره، آیه ۱۰۲).

«یاد می‌گیرند چیزی را که به ایشان زیان می‌رساند و نفعی برای آنان دربر ندارد».

پیامبر ﷺ سحر را از گناه کبیره‌ای به حساب آورده که نابودکننده می‌باشند و ملت‌ها را قبل از افراد نابود می‌سازند، و مرتکبین آنها قبل از آمدن قیامت در دنیا بدبخت می‌شوند، چنانچه می‌فرماید:

(۱) - حدیث از یزار - ابوداود و امام مسلم.

(۲) - کتاب التوحید، ص ۷۹.

«اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: الشِّرْكَ بِاللَّهِ، وَالسَّحَرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الزَّحْفِ، وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْعَافِيَّاتِ الْمُؤْمِنَاتِ»^(۱).

«از هفت چیزی که باعث نابودی می‌باشند پرهیز نمایید. اصحاب پرسیدند یا رسول الله! این هفت چیز کدامند؟ پیامبر اسلام که درود خدا بر او باد، فرمود: شریک قرار دادن برای خدا، سحر نمودن، کشتن کسی به ناحق، خوردن ربا، خوردن مال یتیم، فرار کردن در میدان جهاد و روز رویارویی با دشمنان اسلام، تهمت بستن به زنان پاکدامن و مؤمن بی‌خبر از گناه».

بعضی از فقهای اسلام سحر را کفر و یا موجب کفر می‌دانند، و بعضی دیگر گفته‌اند: ساحر باید با شمشیر کشته شود «حَدُّ السَّاحِرِ ضَرْبُهُ بِالسَّيْفِ»^(۲).
«مجازات جادوگران این است که با شمشیر کشته شود».

تا جامعه از لوث و شر وجودش پاک گردد، قرآن به ما یاد می‌دهد که از شر ساحران به خدا پناه ببریم، چنانچه می‌فرماید:

﴿وَمَنْ شَرَّ النَّفَثَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾ (سوره فلق، آیه ۴).

«(بگو): به خدا پناه می‌برم از شر زنان ساحره‌ای که در گره‌ها می‌دمند (و به ساحری مشغولند)».

دمیدن به گره از روش و خواص ساحران به حساب می‌آید. در حدیث آمده است:

«مَنْ نَفَثَ فِي عُقْدَةٍ فَقَدْ سَحَرُ وَمَنْ سَحَرُ فَقَدْ أَشْرَكَ»^(۳).

«کسی که در گرهی بدمد، سحر کرده و کسی که سحر کند به خدا شرک ورزیده است»^(۴).

(۱) - متفق علیه.

(۲) - روایت ترمذی.

(۳) - متفق علیه (امام بخاری و امام مسلم).

(۴) - حلال و حرام در اسلام، ص ۲۹۹.

و همچنان فقه‌ای از اهل باطل مجالس رقص و سرود و طنبور و غیره برقرار می‌کنند و در دوران سماع نغمه و طرب و سرودها و لهویات خود را مست و مدهوش نمایان می‌کنند و کلمات شرکیه و نامناسب را در باره خداوند متعال به زبان جاری می‌کنند که این همه کلمات و اعمال ولو این که از هرکس صادر شده باشند، و در هر مناسبتی گفته شوند از تلبیس ابلیس^(۱) می‌باشند که اینگونه کلمات را به آنها تلقین نموده اعمال‌شان را مزین می‌سازد، چنانچه شیطان یا جن به زبان مصروع^(۲) می‌گوید. قول خداوند متعال است می‌فرماید:

﴿هَلْ أَتَيْنٰكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِیْنُ ﴿۱۳۱﴾ یَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَذِبُۢنَ

﴾ (سوره شعرا، آیات ۲۲۱ و ۲۲۳).

«آیا به شما خبر دهم شیاطین برچه کسی نازل می‌شوند. به کسانی نازل می‌گردند که کذاب و بسیار گناهکار باشند (به شیطان‌ها) گوش فرا می‌دهند و بیشترشان دروغگویند»^(۳).

متأسفانه عده‌ای از مسلمانان با اینگونه افراد بیسواد و بی‌علم که کارشان افتراء و کذب مکر و فریب‌دادن آدم‌های ساده و فریب‌خورده است و به کاربردن سحر و جادو از ترک محرمات و استعمال کردن نجاسات باکی ندارند، با اهل باطل رابطه دارند، با علمای مسلمین که وارث پیامبران می‌باشند کینه و عداوت داشته، قرآن و سنت را پشت سر خود انداخته اند، غافل از این که رسول الله ص می‌فرماید:^(۴)

(۱) - تلبیس: پوشانده و پنهان کردن حقیقت، پنهان داشتن مرد بحث خود از مردم، فریب و خدعه به کاربردن، دغل‌کاری.

(۲) - مصروع یعنی صرع‌زده، کسی که بیماری صرع دارد.

(۳) - الدر الثمین فی سیره سید المرسلین، ج ۱، ص ۷۸، مؤلف عبدالرشید نعیمی.

(۴) - الدر الثمین فی سیره سید المرسلین، ج ۱، ص ۸۰.

«مَنْ أَحْدَثَ فِي دِينِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^(۱).

«هرکه در امور دین ما چیزی احداث کند (تازه و نو به وجود آورد) که از ارزش‌های دین ما نیست، پس آن مردود است».

باز رسول اکرم ﷺ می‌فرماید که شیخین آن را در صحیح خودشان می‌آورند.

«مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^(۲).

«هرکه در امور (دین ما) چیزی احداث کند که از آن نیست، پس آن مردود است».

پس ای برادر و خواهر مسلمان، گرفتن مزد و آلوده‌شدن به این اعمال حرام و ناجایز است، چنانچه در حدیث به روایت ابوسعید (سعود) انصاری آمده است:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَهَى عَنْ ثَمَنِ الْكَلْبِ وَمَهْرِ الْبَغِيِّ وَحُلْوَانِ الْكَاهِنِ»^(۳).

«رسول الله ﷺ از (گرفتن) بهای سگ، پول به دست آمده از طریق زنا و گرفتن پول (شیرینی پاداش انعام و دستخوشی) در حق کهنانت (کاهن) و جادو منع فرموده است».

همچنان از ابوهریره رضی الله عنه مرفوعاً آمده است: «لَا يَحِلُّ ثَمَنُ الْكَلْبِ وَلَا حُلْوَانُ الْكَاهِنِ وَلَا مَهْرُ الْبَغِيِّ»^(۴).

متأسفانه بعضی تعویذ^(۵) فروشی و سحر را شغل خود قرار داده و مانند کالافروشان در این مورد دکان باز کرده اند و اموال آدم‌های بیسواد و جاهل را به فریب و باطل می‌خورند که همه این اعمال خلاف شریعت اسلام بوده قطعاً حرام می‌باشند، و بر حکومت اسلامی لازم است که از آن جلوگیری کند^(۶).

(۱) - متفق علیه (بخاری - مسلم).

(۲) - صحیحین.

(۳) - روایت امام بخاری.

(۴) - ابوداود والدر الثمین، ج ۱، ص ۸۱.

(۵) - تعویذ یعنی دعاهایی که بر کاغذ می‌نویسند و به گردن یا بازو می‌بندند برای دفع چشم زخم و رفع بلا و آفت - فرهنگ عمید.

(۶) - عقائد اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۱۱۸، مؤلف عبدالرشید نعیمی.

علاج سحر با سحر

اما علاج سحر با سحر چون طبق فرمایش رسول الله ﷺ از عمل شیطان و شرک اکبر است، پس جایز نمی‌باشد، زیرا کاهنان و ساحران مؤمن نیستند و کذاب و فاجر هستند و ادعای برخورداری از علم غیب را با اعمال خود می‌کنند. از رسول خدا ﷺ در باره علاج سحر به وسیله سحر پرسیده شده و ایشان در جواب فرمودند: «هِيَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»^(۱). «این کار از عمل شیطان است».

حکم علاج سحر

علاج سحر با آیات قرآنی و احادیث نبوی و دیگر ادعیه ماثوره جایز است، چنانچه در بخاری آمده است که سعید بن مسیب (تابعی) بازکردن سحر را از مسحور و یا عدم قدرت یافتن مرد را از اتصال جنسی با همسرش به سبب سحر جائز قرار داده است^(۲). و همین قول شعبی و معتمد علیه از امام احمد، و از مزنی شافعی و ابوجعفر طبری می‌باشد. این کثیر نیز می‌گوید: آنچه که بر باطل کردن سحر از همه چیز نافع‌تر است، سوره‌های «معوذتین» است.

چنانچه در حدیث است (هیچ پناه برنده‌ای به مثال این دو سوره به چیز دیگری پناه نبرده است). همچنان آیه الكرسي، زیرا طردکننده شیاطین است.

ابن بطلال از کتاب وهب بن منبه نقل کرده است که مسحور (سحرشده) هفت برگ درخت کنار (سدر) سبز را گرفته و با دو سنگ کوبیده و نرم کند. سپس با آب مخلوط کند، آیه الكرسي و قوافل^(۳) را بر آن بخواند و مسحور سه جرعه از آن خورده و با بقیه آن غسل کند، إن شاء الله سحرش به خواست خداوند متعال باطل خواهد شد و یا با قرائت

(۱) - روایت احمد.

(۲) - الدر الثمین فی سیرة المرسلین، ص ۸۲ و ۸۳ - عقاید اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

(۳) - سورة کافرون، اخلاص، فلق و ناس.

فاتحه، آیه الکرسی، آیه ۲۸۵ و ۲۸۶ سوره مبارکه بقره، سوره اخلاص، معوذتین (۳ مرتبه) همراه با دمیدن بر کف دستان و با هردو دست در محل درد مسح کردن^(۱).

برادر و خواهر مسلمان

خداوند ما انسانها را خلق کرده است و طبق قول خداوند، او ما را ضعیف خلق کرده، چنانچه می فرماید:

﴿وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾^(۲). و رسول خدا ﷺ هم فرموده است: «كُلُّ مُيَسَّرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ»^(۳). «هرکس برای انجام کاری آمادگی دارد که برای آن آفریده شده است». پس ما هم در مقابل مشکلات و سختی ها باید صبر کنیم و از آزمایش الهی سربلند بیرون بیاییم. خداوند متعال در این زمینه می فرماید:

﴿أَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (سوره بقره، آیه ۱۵۳). «با صبر و نماز از خداوند مدد و یاری بطلبید که همانا خداوند همراه صابران است».

(۱) - الدر الثمین فی سیرة المرسلین.

(۲) - سوره مبارکه نساء، آیه ۲۸.

(۳) - انسان و سعادت دو جهان، مؤلف راغب اصفهانی، ترجمه از مصطفی اربابی، ص ۷۶.

تمائم

چه بسیار رمال‌ها و حقه‌بازهایی که بساط آنچنانی گسترده اند، با نوشتن طلسم خطوط عجیب و غریب یا اشیاء جلوگیری‌کننده و از جن و چشم بد و دفع بلا بسیاری از مردم را گمراه می‌کنند.

آویزان کردن طلسم و جادو و یا هرچیز دیگری از قبیل آنها با اعتقاد به این که از بلا جلوگیری می‌نماید و یا موجب خوشبختی می‌شود و یا دردی را از کسی دوا می‌نماید، مانند سحر حرام است^(۱).

در قرن بیستم هنوز هستند کسانی که نعل اسب (خرمهره، گوش ماهی، صدف، و یا نخ سیاه و سفید بافته‌شده) را به منظور رفع بلا بر سر در منزل (و یا بر گردن و دست نوزادان و کودکان) خود آویزان می‌نمایند، سر گاو را در مزرعه خود نصب می‌کنند و مهره‌هایی آبی‌رنگ به منظور دفع چشم بد به گردن بچه‌ها و اموال مورد عقاله خود آویزان می‌نمایند.

هنوز هم در اکثر ممالک دنیا کسانی هستند که با استفاده از ناآگاهی مردم چیزهایی می‌نویسند و جدول‌هایی می‌کشند و خطوی مستقیم و منحنی می‌کشند و طلسم‌هایی در آنها رسم و منقوش می‌کنند و افسون‌های گوناگونی به روی آن می‌خوانند و می‌پندارند کسی که این طلسم را بر خود آویزان نماید یا همراه داشته باشد، از شر جن، شیاطین، چشم بد و غیره مصون (در امان) خواهد بود^(۲).

از عقبه پسر عامر روایت شده که یک جماعت ده نفری نزد پیامبر ﷺ آمدند. پیامبر ﷺ با نه نفر از ایشان بیعت کرد و از بیعت کردن با یکی از آنان خودداری کرد. گفتند: چرا با او بیعت نمی‌کنید؟ فرمود: او نوشته و طلسمی به بازو دارد. آن مرد آن طلسم را از بازوی خود درآورد، آنگاه پیامبر ﷺ با او بیعت کرد و فرمود: «مَنْ عَلَّقَ فَقَدْ أَشْرَكَ»^(۳). «کسی طلسم ببندد شریک برای خدا قائل شده است». از عیسی بن حمزه روایت شده:

(۱) - تریبۃ الأولاد فی الإسلام، ج ۲، ص ۴۰۱.

(۲) - حلال و حرام در اسلام، ص ۳۰۱.

(۳) - حاکم و احمد.

نزد عبدالله بن حکیم رفتم که پوست بدنش قرمز شده بود، گفتم: چرا طلسم بر خود نمی‌بندی؟ گفت: به خدا پناه می‌برم از این عمل، و در روایتی گفت: مرگ برای من بهتر از این کار است. چون پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ عَلَّقَ شَيْئًا وَكَلَّ إِلَيْهِ»^(۱). «کسی که برای دفع بلا چیزی بر خود ببندد، به همان چیز سپرده می‌شود. یعنی خدا به او و سرنوشت او کاری ندارد».

روایت شده است که همسر عبدالله بن مسعود رضی الله عنه نخعی بر گردن آویزان کرده بود، و چون عبدالله وارد منزل شد، آن را دید و قطعه قطعه کرد، گفت: آل عبدالله از این که شرک بکنند، بی‌نیازند و بعد از آن گفت: سمعت رسول الله ﷺ يقول: «إِنَّ الرُّقْيَ وَالْتَّمَائِمَ وَالتَّوَلَّهَ شُرُكًا»^(۲). «همانا افسون‌کردن و تعویذ بستن و طلسم آویزان کردن شرک است». سپس به همسرش گفت: بیگمان تو را آنچه رسول الله ﷺ گفته است کافی می‌باشد و ایشان می‌گفتند: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، مُذْهِبَ الْبَاسِ، اشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شَافِيَ إِلَّا أَنْتَ شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا»^(۳). «ای پروردگار عالم، ناراحتی را از بین ببر، شفا ده که تنها شفا دهنده تویی، هیچ شفایی نیست جز شفای تو، شفایی ده که هیچ ناراحتی بعد از آن باقی نماند». و رسول الله ﷺ فرموده اند: «لَا بَأْسَ بِالرُّقْيِ مَا لَمْ تَكُنْ شُرُكًا». یعنی «در دم‌کردن^(۴) باکی نیست به شرطی که در آن کلمات شرکیه نباشد».

از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که چون کسی از آل بیت رسول الله مریض می‌شد به معوذات او را دم می‌کرد و در مرضی که در آن فوت کردند، پس من او را دم می‌کردم و به دست خودش جسدش (اندامش) را مسح می‌نمودم، زیرا دست ایشان از دست من بابرکت‌تر بود^(۵).

(۱) - احمد و ابن ماجه و ابن حبان و ترمذی.

(۲) - روایت احمد و ابوداود و بیهقی، و حاکم آن را صحیح دانسته، و ذهبی صحت آن را تأیید کرده است.

(۳) - روایت ابن ماجه و ابن حبان و الحاکم.

(۴) - دم: نفس، هوا و هوایی که در حال تنفس از بینی و دهان به ریه داخل می‌شود - فرهنگ عمید.

(۵) - روایت مسلم، کتاب السلام باب (رقية المریض) ح ۲۱۹۲.

رسول الله ﷺ فرموده اند: چون کسی از شما مبتلا بدرد شود، پس در جای درد دست خود را بگذارید سپس هفت بار بگوید: «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ»^(۱). بنابراین، معوذتین و آیه الکرسی و آیاتی که متعلق به حضرت موسی و ساحران فرعون می‌باشند و همچنان دو آیه در آخر سوره بقره بهترین علاج برای دفع سحر و غیره می‌باشند، و آیه‌های قرآن کریم برای مؤمن متوکل بر خدا علاج و شفاء می‌باشند^(۲). خداوند فرموده است:

﴿وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (سوره الإسراء، آیه ۸۲).

«و از قرآن آنچه برای مؤمنان شفابخش و رحمت است نازل می‌کنیم»^(۳).

اگر دعایی که نوشته می‌شود به زبان عربی و مفهوم آن آشکار و روشن باشد شامل دعا‌های منتخب از نبی اکرم ص یا هرآنچه در سنت صحیح در ارتباط با اهمیت قرائت آیات قرآنی و تعدادی از سوره‌های مانند معوذتین باشد، از نظر بعضی از فقها اشکالی ندارد.

«رقی»^(۴) از نظر ایشان همین حکم را دارد. رُقَی عبارت از قرائت سوره فاتحه یا معوذتین بر مریض یا فرد گزیده شده با چیزی یا دیوانه است همراه مالیدن دست و دمیدن بر او.

امام نووی و «حافظ بن حجر» بر مشروعیت «رقی» با شرایط ذیل اتفاق نظر دارند:

۱- کلام نوشته شده باید حاوی کلام خدای تعالی یا اسماء و صفات او تعالی باشد.

۲- به زبان عربی باشد، یا به شیوه‌ایی که فهم معنای آن و تمایز آن ممکن باشد.

(۱) - احمد در المسند، و ترمذی در سنن خود، کتاب الدعوات باب (فی الرقية إذا اشتكى) ح (۳۵۸۸) روایت کرده‌اند.

(۲) - عقائد اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۱۲۱.

(۳) - ترجمة آیه از خرماهی.

(۴) - رقی یعنی نوشتن چیزی بر روی کاغذ - رقیه و علیه: به نفع یا به ضرر او دعا که برایش تعویذ یا طلسم بنویسد. المنجد محمد بندر ریگی.

۳- این اعتقاد وجود داشته باشد که رقیه ذاتا مؤثر نیست، بلکه شفا به وسیله خداوند سبحان است.

از جمله دعاهاى حفظ و مراقبت که نبی اکرم ﷺ به ما یاد داده است در ارتباط با کودکان است که در روایت بخاری از ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که رسول الله ﷺ دعای حفظ و مراقبت را به «حسن و حسین» رضی الله عنهما می خواند، و می فرمود شما را به خدا می سپارم به وسیله کلام کامل و تام او از شر هر شیطان و حشره گزنده و هر چشم بد^(۱). از این رو صحابه و تابعین به شدت منکر این تعویذات و طلسم ها بودند، تا آنجا که خدیجه رضی الله عنها مردی را دید که ریسمانی از این نوع بر گردن خود آویخته بود، این آیه را قرائت کرد:

﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ (سوره یوسف، آیه ۱۰۶).

«و بیشترشان به خدا ایمان نمی آورند جز این که با او چیزی را شریک می گیرند». و از سعید بن جبیر روایت شده که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ قَطَعَ تَمِيمَةً مِنَ الْإِنْسَانِ كَانَ كَعَدْلِ رَقَبَةٍ». «هرکس خرمهره ای را از گردن فردی جدا کند، گویا یک بنده را آزاد کرده است».

بنابراین، صحیح آن است که طلسم ها به طور کلی ممنوع باشند، چنانکه پیامبر ﷺ در مقام نفرین به دارندگان طلسم ها می فرماید: «مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَلَا أَتَمُّ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ عَلَّقَ وَدْعَةً فَلَا وَدَعَ اللَّهُ لَهُ»^(۲). «کسی که طلسم یا بازوبندی به خود بیاویزد، خدا کار او را تمام نکند، و هرکه خرمهره یا نظرقربانی جهت رفع چشم زخم به گردن آویزد، به مقصود خود نرسد». چنانچه کسی به بیماری و یا ناراحتی دیگر دچار گردید چاره ای جز بردن ایشان نزد پزشک وجود ندارد، زیرا پیامبر خدا که درود خداوند بر او باد می فرماید: «تَدَاوُوا عِبَادَ اللَّهِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلَّا وَضَعَ لَهُ دَوَاءً»^(۳). «بندگان خدا امراض خود را مداوا کنید، زیرا خداوند مرضی پدید نیاورده، جز آن که دوايي برای آن قرار داده است».

(۱)- تربية الأولاد في الإسلام، ج ۲، ص ۴۰۱ و ۴۰۲.

(۲)- روایت احمد.

(۳)- امام احمد و اصحاب سنن و ابن حبان و حاکم و ترمذی گفته است: حسن و صحیح است.

بنا به نقل صحیح بخاری: پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّمَا الشِّفَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: مِشْرِيَّةٌ عَسَلٍ أَوْ شَرْطَةٌ مَحْجَمٍ أَوْ كِيٌّ بِنَارٍ» (۱). «شفای بیمار در سه چیز است: ۱- خوردن عسل. ۲- نیشترزدن و حجامت (۲). ۳- داغ کردن و سوزاندن محل درد». این نوع مداوا شامل معالجاتی می‌گردد که در عصر ما از طریق خوردن دارو یا عمل جراحی و یا سوزاندن به وسیله برق و... انجام می‌شود. بنابراین، پیامبر ﷺ شفای بیماران را در تمائم و قرائت افسون اوراد نامشروع و امثال آن قرار نداده است، بلکه درمان و معالجه را از همان راه طبیعی علوم پزشکی مقرر فرموده اند که یا از طریق دهان با خوردن دارو و امثال آن و یا تزریق دارو و به وسیله آمپول به سایر قسمت‌های بدن است. نیشترزدن و حجامت نیز امروزه شامل انواع عمل جراحی می‌گردد، و همچنین سوزاندن و داغ کردن امروزه به معنای زیر برق گذاشتن و امثال آن می‌باشد.

اینها همه درمان‌هایی است که اسلام بدان قائل است، و پیامبر ﷺ بدان دستور داده و در مداوای خود نیز از آنها استفاده کرده است. چنانچه آن حضرت در مواردی به حجامت پرداخته و به پزشک مراجعه نموده، و اصحاب و امتش را به معالجه و مداوا دستور فرموده است. پس شایسته است که ما نیز تابع سنت پیامبر اسلام ﷺ باشیم، پیامبر ﷺ چنین می‌فرماید: «لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ». «هر دردی درمانی دارد» (۳).

از خداوند متعال می‌خواهیم که در مسیر رضای خود ما را موفق گرداند، و توفیق دستیابی به حقایق را برای ما مهیا سازد، و ما را فقاقت در دین و فهم و معرفت اسلامی عطا فرماید، تا راه راست (صراط مستقیم) و مسیر واقعی را از انحراف و کجروی باز شناسیم که او شنوا و نزدیک به ما است (۴).

والسلام- وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

(۱)- روایت بخاری.

(۲)- حجامت یعنی خون گرفتن از بدن، بادکش کردن و خون گرفتن از بدن یا تیغ زدن و مکیدن - فرهنگ عمید، حجامت: رگ زدن، خون گرفتن از بدن به خاطر درمان - المنجد، محمد بندر ریگی.

(۳)- فقه السنة، به روایت مسلم از جابر، مؤلف دکتر سید سابق.

(۴)- دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۱، ص ۲۶۴.